

دانش‌جغرفی در مراسم تودیع و معارفه وزیر امور اقتصادی و دارایی با ارائه یک سخنرانی تحلیلی بسیاری از ناگفته‌هایش از اقتصاد ایران را روایت کرد.

۲۰۰۸-۲۲-۰۴

به گزارش خبرنگار اقتصادی ایسنا وی در این مراسم با بیان اینکه کار اصلی من در وزارت امور اقتصادی و دارایی ایجاد آرامش در اقتصاد کشور بود اظهار کرد: به دور از هیجان کار کردم و سعی کردم هر فردی یا دستگاهی که با مانعی در انجام کار اقتصادی خود برخورد می‌کرد را برطرف کنم.

وزیر سابق امور اقتصادی و دارایی تصریح کرد: سعی کردم از همه کسانی که کار بلد هستند که عمدتاً از مجموعه کارکنان این وزارت بود استفاده کنم. فضای داخلی را برای کار خلاق آرام نگه داشتم و علی‌رغم این‌که خودم تحت فشار بودم سعی کردم حتی‌المقدور آن را به سازمان منتقل نکنم. از اتوبوس هم استفاده نکردم، تنها آمدم و تنها می‌روم.

به گزارش ایسنا متن کامل سخنرانی داوود دانش‌جغرفی در مراسم تودیع‌اش در زیر می‌آید:

« معمول این نوع جلسات این است که آمار عملکرد بدهیم. من به نظرم رسید این زحمت روتین را به روابط عمومی بدهیم و یا حداقل من خیلی مختصر در این رابطه وارد شوم تا این که وقت بیشتری برای طرح مسائل مهم‌تر باشد.

مهمترین ویژگی عملکرد من این بود که در دوره‌ای مسوولیت پذیرفتم که ناهمواری‌های بسیاری برای انجام کار وجود داشت و خیلی از مسائل غیر قابل پیش‌بینی بود:

اول - نسبت به تجربه گذشته کشور و با آدم‌هایی که تجارب خوبی داشتند نظر مثبتی وجود نداشت و حداقل این بود که با ابهام به آن نگریده می‌شد. این در حالی بود که هنوزم نقشه راه برای آینده مورد نظر نیز آماده نشده بود. بسیاری از مفاهیم پذیرفته شده علم اقتصاد در دنیای امروز از قبیل تاثیر نقدینگی بر تورم و یا چگونگی تقسیم کار مطلوب بین دولت و مردم زیر سوال بود. به برنامه چهارم به عنوان سندی لازم‌التباع نگاه نمی‌شد این در حالی بود که هیچ تلاشی برای تغییر آن نیز نمی‌شد.

دوم - مسائل جنبی دست‌چند کشور که اصولاً اهمیت نداشتند در شرایطی، تبدیل به مساله دست اول کشور می‌شدند. مثل تعیین ساعت کار بانک‌ها که ماه‌ها ما را به خود مشغول کرد.

در مسائل جاری و اجرایی دستگاه‌های وابسته نیز ما همواره شاهد فعالیت گروه‌های فشار بودیم که سعی می‌کردند با اطلاع‌رسانی غلط حرکت امور را در جهت مورد نظر خود تغییر دهند.

در موارد زیادی پیامک‌های دسته‌جمعی قبل از رسیدن حکم به ما دریافت می‌شد. در حالی که در موارد زیادی به اقتصاد کشور آسیب می‌رساندند.

سوم - دولت به دلایل متعدد با حوزه پیرامونی خودش دچار مساله می‌شد و این فضای سنگین بر کار دستگاه‌هایی مثل وزارت امور اقتصادی و دارایی سایه افکنده بود. مسائلی که هنوز هم بسیاری از آنها حل نشده است.

- مشکل با مجلس.

- مشکل با مجمع تشخیص مصلحت.

- مشکل با اشخاص خاص.

- مشکل با روزنامه‌ها.

- مشکل با نامزدهای رقیب در انتخابات قبلی ریاست جمهوری.

- مشکل با نامزدهای بالقوه در انتخابات دهم.

- و دهها مساله ديگر كه قابل ذكر نيست.

اين مسائل هر کدام به تنهائي كافي بودند كه حركت تند و سريع و پرشتاب را از دستگاههاي اجرائي بگيرند.

چهارم - در طول اين دوره به نظر مي‌رسيد مهمترين برنامه دولت مبارزه با برنامه تحريم فزاينده مالي آمريكا عليه ايران باشد و قاعدا ما مي‌بايستي همه توان خود را حول اين محور بسج مي‌كرديم.

ما وارد يك بازي سنگين و نفس گير شطرنج با وزارت خزانه داري آمريكا شده بوديم. آنها يك معاون صهيونيست خود را به نام استورات لوي مامور متوقف كردن اقتصاد ايران كرده بودند.

اين فرد شخصا به اكثر كشورهاي دنيا سفر مي‌كرد و با اشخاصي كه از نظر تشكيلاتي چند رده پايين‌تر از او بودند ملاقات مي‌كرد. اول از طريق تشويق و تطميع تقاضاي همكاري عليه ايران مي‌كرد و اگر به نتيجه نمي‌رسيد با تهديد كار خود را دنبال مي‌كرد. به لطف خدا در سال گذشته موفق شديم روي حريف را كم و او را مات كنيم در حالي كه خيلي زودتر بايد اين كار را مي‌كرديم. آنها تحريم مالي بانكي عليه ما به راه انداختند تا تجارت خارجي ما را متوقف كنند، اما ما نگذاشتيم و مردانه ايستاديم. در اين دوره مديران شايسته‌اي ظهور كردند و زندگي خود را در اين راه فدا كردند بايد از آنها به عنوان يك قهرمان ملي ستودني ياد كرد.

افرادي مثل آقاي درخشنده كه نگذاشت بانك سپه اين بانك مهم كشور در اين فشارها دچار افت شود.

عليرغم همه فشارهايي كه به ما وارد شد، ما نگذاشتيم طرح شيطاني لطمه زدن به اقتصاد كشورمان عملي شود و تجارت بين‌المللي پرشتاب نيز به راه خود ادامه داد.

- در سال گذشته خوشبختانه ميزان صادرات نفت و گاز به حدود ۶۱ ميليارد دلار رسيد.

- ميزان صادرات غير نفتي با احتساب ميعانات گازي به حدود ۲۱ ميليارد دلار رسيد.

- ميزان واردات ما نيز به ۴۸ ميليارد دلار رسيد.

بدخواهان شكست خوردند و اقتصاد ما به راه تعالي خودش ادامه مي‌دهد. البته بايد اذعان كرد كه به مردم فشار آمد. اما چه بايد كرد؟ جنگ اقتصادي را دشمن آغاز كرده بود همان طوري كه صدام جنگ نظامي را آغاز كرد و طبعاً در جنگ وظيفه ما دفاع بوده است.

آنچه در اين كارزار ابهام‌انگيز است، اينكه در اين دوره كه بيشتريين فشار خارجي به نظام مالي كشور وارد مي‌آمد به ويژه در بخش بانك و بيمه، عده‌اي نيز در داخل با نقد غير منصفانه موجبات تضعيف آن را فراهم مي‌كردند.

انتقادهائي كه مي‌شد گاهي به اتهام و شبهه ربوي بودن بعضي از عمليات بانكي،

گاهي به خاطر بالا بودن سود بانكي،

گاهي براي تبديل بانك‌ها به بانك قرض‌الحسنه،

گاهي به دليل داشتن ارتباط سياسي بعضي از مديران با بعضي از اشخاص با نفوذ،

گاهي به خاطر معوق شدن بازپرداخت‌ها،

گاهي به خاطر دادن تسهيلات به اشخاص خاص،

گاهي به خاطر ندادن تسهيلات كافي به طرح‌هاي مورد نظر دولت

داستان بیمه ایران هم برنامه‌ای بود که در نهایت همه مطلع شدند، اما موجبات تضعیف نظام بیمه‌ای کشور را فراهم کرد.

آتش تهیه این حملات عموماً از طرف کسانی ریخته می‌شد که حتی یک روز هم سابقه فعالیت در نظام بانکی و بیمه‌ای کشور نداشتند و صرفاً با برداشته‌های غیر اجرایی خود عملکرد این مجموعه‌ها را نظاره می‌کردند.

عده‌ای سعی می‌کردند با اعمال نظرهای مختلف در ظاهر تحولی به وجود آورند ولی ما عملاً مشاهده کردیم که آنها دارند این مجموعه‌های ارزشمند را از کار می‌اندازند زیرا که طرحی جایگزین نداشتند و صرفاً از وضع موجود ایراد می‌گرفتند.

در هر صورت نظام بانکی در این دوره به صورت مستمر تحت فشار قرار داشت. من وقتی نگاه آنها را به نیمه خالی لیوان دیدم. جلوی آنها ایستادم و اجازه ندادم جلوتر بروند زیرا فکر می‌کردم این نوع برنامه‌ها فراتر از وظیفه یک دستگاه است و باید برای انجام آن توافق ملی و حتی قانون وجود داشته باشد. به یاد ایده انحلال ارتش افتادم که عده‌ای در آن موقع چه‌ها برای آن می‌گفتند ولی امام (ره) چگونه مسأله را با دوراندیشی هدایت کرد و آن وقت دیدیم که همین ارتش در دوره دفاع مقدس چه خدمات ارزنده‌ای به انقلاب اسلامی کرد.

صیاد شیرازی‌ها هدیه همین ارتش بودند.

در طرح مربوط به انحلال سازمان برنامه هم دیده بودم که این اقدام حساب شده نبود و جز ایجاد سرخوردگی و یاس برای کارکنان این سازمان عظیم اثر دیگری نداشت.

از ویژگی‌های دیگر این دوره هیجانی این بود که هر کس به خود اجازه می‌داد در مسائل کلان اقتصادی کشور دخالت کند. نمی‌دانم چه فایده‌ای از این کار می‌بردند.

یک بار آقای دکتر رحیمی - رییس کل دیوان محاسبات - در یک مصاحبه داخلی - خارجی اعلام کرد که یکی از قراردادهای نفتی که در دولت قبل منعقد شده است، مسأله دار است و لذا باید این قرار داد را که ۲۰ میلیارد خسارت به کشور می‌زند لغو شود. هم من و هم وزیر نفت جداگانه با ایشان صحبت کردیم و گفتیم این نحوه رفتار شما با قراردادهای بین‌المللی حیثیت ما را زیر سوال می‌برد و دیگر در بستن قراردادهای جدید به ما اعتماد نمی‌کنند. اگر اشکالی وجود دارد باید آن را رفع کرد و نه اینکه با مصاحبه مطبوعاتی هو و جنجال راه بیاندازیم. از طرف دیگر دلیلی وجود ندارد که قبل از این که این پرونده رسیدگی شده باشد و حکمی صادر شده باشد این بحث‌ها رسانه‌ای شود.

ایشان خیلی ساده گفت: «من از شما دستور نمی‌گیرم» بعد از آن با هیات رییس مجلس صحبت کردم و خوشبختانه آنها با روش‌های خود، فتیله این بحث را پایین آوردند. به نظرم می‌رسد ریشه این هیجانات بر می‌گردد به یک سری اطلاعات کارشناسی نشده یا پردازش نشده که بدون بررسی به مراجع بالاتر می‌رسد.

به قرار اطلاع در قسمت بازرسی رییس جمهور افرادی نفوذ کرده بودند که جزو ناراضی‌های دستگاه‌ها بودند. عده‌ای هم بودند که صلاحیت پذیرش شغل نداشتند. به طور مثال معاون اقتصادی بازرسی یک دامپزشک بود قاعدتاً اشراف او به مسائل اقتصادی نمی‌تواند بالا باشد. این افراد با دسترسی محدودی که داشتند، به خود اجازه می‌دادند در مسائل پیچیده گزارش تهیه کنند و با دسترسی آسانی که به مقام بالا داشتند، ذه‌نیت کارشناسی نشده خود را منتقل کنند. اینها مدیران بالایی دستگاه‌های اجرایی، حتی وزرا را نیز که منتخبات مجلس و رییس جمهور بودند و از مجلس رای اعتماد گرفته بودند، به راحتی زیر سوال می‌بردند و در موارد بسیاری باعث شکل‌گیری مدیریت دو گانه یا موازی در دستگاه.

البته تهیه این نوع گزارش‌ها فقط مختص بازرسی رییس جمهور نبود و از اشخاص درون دستگاه‌ها هم استفاده می‌شد.

گاهی با تشویق و گاهی هم با تهدید. ولی ویژگی همه این گزارش‌ها این بود که با رییس دستگاه مشورت نمی‌شد و به یک باره تصمیم بر علنی شدن گزارش می‌گرفتند. یکبار نامه آوردند که کلیه مدیران شعب خارجی بانک‌ها به دلیل اینکه بازنشسته هستند باید بر کنار شوند کی؟ موقعی که تحریم بانکی شروع شده بود! یک بار نامه آوردند که گروهی از مدیران سطح میانی بانک‌ها به دلیل حرف‌گوش نکردن باید بر کنار شوند. از شش ماه قبل فشار برای برکناری بی دلیل

آقای درخشنده این جانباز فعال که الحق نقش برجسته‌ای در بازسازی بانک سپه شروع شد ولی من همه اینها را علیه منافع ملی می‌دانستم و لذا همکاری نکردم.

فشار بیمه ایران از ناحیه دیگر اعمال شد. یک گزارش ساده در مورد تخلف مدیران قبلی بیمه ایران که در دوره من هم نبود، به زودی تبدیل به یک مساله ملی شد و بعد جمع کردن موضوع چقدر نیرو برد!

در همین سخنرانی اخیر قم نیز که بازتاب وسیعی داشت، ریشه‌های این نوع گزارش‌ها غیر کارشناسی که بدون چک کردن به مراجع بالاتر رسیده به راحتی قابل مشاهده است. در جلسه دولت با جناب آقای دکتر صحبت کردم و گفتم طرح این بحث‌ها به کشور آسیب می‌رساند.

ایشان گفتند منظور من این بوده که مشکلات نظام‌های مالیاتی، گمرک و بانک را بشکافم و قصد دیگری در کار نبوده است. با این حال وقتی بعداً به مطلب دقیق شدم، همان نگرانی که داشتم، بیشتر شد. اولاً هیچ‌یک از روسای گمرک، مالیات و یا دخانیات از مسائل مطروحه با خبر نبودند و ایرادات اشاره شده جملگی قابل خدشه است.

به طور مثال همه می‌دانند که در حال حاضر واردات سیگار در کشور کاملاً آزاد است و هیچ امتیاز انحصاری به کسی داده نشده است. ۲۱ شرکت بزرگ و کوچک، بازار واردات رسمی سیگار ایران را در اختیار دارند و در سال ۱۳۸۶ حدود ۳۰۰ میلیون یورو واردات داشته‌اند. چطور ممکن است فردی برای گرفتن مجوز واردات سیگار که هیچ مانعی هم برای آن وجود ندارد، حاضر باشد پنج میلیارد حق حساب بدهد؟! این بحث منطقی به نظر نمی‌رسد! و با این مطلب که گفته شد دو کارخانه مثل هم که هر دو یک چیز تولید می‌کنند و به یک اندازه تولید خود را فروخته‌اند، چرا از یکی ۳۰۰ میلیون تومان و از دیگری سه میلیون تومان مالیات گرفته‌اند؟!

بررسی‌های انجام گرفته نشان می‌داد چنین موضوعی هیچ سابقه‌ای در سازمان مالیاتی ندارد. تازه نظام مالیاتی ما بر اساس فروش نیست که هر دو به یک اندازه مالیات بدهند. در نظام مالیاتی ما، بر اساس درآمد (یعنی فروش منهای هزینه) مالیات تعیین می‌شود. این امکان وجود دارد که هزینه دو کارخانه به هر دلیل متفاوت باشد. ای کاش جزئیات موضوع قبلاً مورد بررسی دستگاه مربوطه قرار می‌گرفت و این طور شتاب زاده، عمل نمی‌شد!

در مورد دخالت بانک‌های خصوصی و موسسات اعتباری در بازار مسکن نیز تاملاتی وجود دارد!

رشد مانده تسهیلات بانک‌های خصوصی در بخش مسکن در سال ۱۳۸۶ فقط ۱۶ درصد بوده است.

به طور کلی باید توجه داشت که برای تحلیل مشکلات بخش مسکن باید خیلی از نکات را مورد توجه قرار دهیم.

پرسیدند: چه کسی می‌گوید افزایش تولید بد است؟!!

گفتم: افزایش تولید خوب است ولی باید توجه داشت که تا موقعی که تولید به بهره‌برداری نرسیده باشد، این فعالیت تورمزا خواهد بود.

از طرف دیگر سوال اینجاست که وقتی هزاران طرح نیمه تمام داریم، چه ضرورتی دارد که طرح جدیدی را شروع کنیم.

قاعده اقتصادی می‌گوید: اگر یک میلیارد تومان پول داشته باشیم و با آن فقط یک طرح را در یک سال می‌توان به پایان برد. وقتی دو طرح را شروع می‌کنیم - البته با قصد خدمت - حتماً به زودی درخواهیم یافت که هر دو طرح در پایان سال فقط می‌تواند ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی نمایند و لذا مردم را برای یک سال از بهره‌برداری از همان یک طرح اولی محروم کرده‌ایم.

نکته دیگر اینکه عمده افزایش تقاضای مسکن مربوط به افزایش تقاضای مسکن مربوط به افزایش تقاضای واقعی یا نیاز واقعی نیست و بلکه بخش اصلی را تقاضاهای سوداگرانه با هدف سرمایه‌گذاری برای فروش مسکن تشکیل می‌دهد.

بگذاریم يك داستان واقعي را براي شما بازگويي كنم:

سال گذشته خانم من براي نياز دندانپزشكي، پيش يك خانم دكتري مي‌رفت، بعد از چند جلسه خانم دكتتر براي من پيغام داده بود، محتوای پیام این بود:

«من ۳۰۰ ميليون تومان پس انداز دارم. آقاي دكتتر دانش جعفري مرا راهنمايي كند، با اين پول چه بايد بكنم؟ او گفته بود علاقه‌مند به توليد است ولي حوصله دوندگي ندارد. از طرفي نمي‌داند راه و روش توليد چيست؟» و در خاتمه گفته بود: «اگر دكتتر دانش جعفري جواب مرا ندهد، مجبورم برم يك تکه ملك بخرم.»

اين واقعيت اقتصاد ماست، چرا نمي‌خواهيم آن را بپذيريم.

حتي من در همين وزارتخانه با يك پديده مشابهي برخورد كردم. چند نفر از كارمندان ما با ابتكار خودشان جمع شده بودند هر کدام از ۱۰۰ هزار تومان تا چند ميليون گذاشته بودند و يك آپارتمان مشاع خريده بودند و گذاشته بودند تا قيمت بالا برود.

در همان گزارش عملكرد ۹ ماهه بانك مركزي مي‌گويد در حالي كه در سال گذشته نرخ بازدهي اوراق مشاركت ۱۵,۵ درصد بوده است، اما

نرخ بازده سهام ۱۹ درصد

تغييرات قيمت سكه بهار آزادي ۷,۱ درصد

تغيير قيمت دلار ۱/۱ درصد

در ضمن شاخص قيمت زمين در مناطق شهري: ۴۳,۲ درصد تغيير داشته است و اين تغيير در شهر تهران به ۵۸ درصد رسيده است.

از طرف ديگر خيلي از بازارهاي سنتي ما كه مردم كوچه و بازار در آن سرمايه‌گذاري مي‌كردند مثل خوردو، تلفن همراه اخيرا جاذبه ندارد.

بنابراين طبيعي است كه تقاضاهاي سوداگرانه، به بخش مسكن روي آورد زيرا سود آوري آن در مقايسه با بقيه فعاليتها بالا بوده است.

آنچه در اين رابطه مهم است اين است كه چرا زمينه‌هاي تحريك‌هاي اين چنيني در اقتصاد ما وجود دارد؟!

چرا در كشورهاي ديگر اين اتفاق نمي‌افتد و يا كمتر مي‌افتد؟! وقتي قدرت خريد اقتصاد ساليانه با تزريق رشد نقدينگي ۳۵-۴۰ درصد بالا مي‌رود، طبيعي است كه با پول بيشتري بايد كالاي بيشتري خريد، اگر ميزان كالا كافي نباشد، همان كالاي موجود قيمت‌اش بالا مي‌رود.

اگر مي‌خواهيم رشد تورم متوقف شود بايد ريشه‌هاي تحريك كننده آن را بخشكانيم.

يعني كنترل رشد نقدينگي، اين همان مطلبي است كه من در مراسم راي اعتماد در مجلس گفتم. ريشه اصلي رشد نقدينگي فزاينده در اقتصاد ما را بايد در بودجه دولت، در كسري بودجه‌هاي آشكار و پنهان و يا در اضافه خرج‌هاي آشكار و پنهان آن جستجو كرد.

آيا مي‌شود انتظار داشت كه براي انجام تكاليف بودجه ۱۳۸۷ نژديك به ۶۰ ميليارد دلار دلار نفتي از سوي بانك مركزي تبديل به ريال شود، ولي نقدينگي بالا نرود؟! هر كس بلد است بفرمايد انجام دهد. يا اگر نقدينگي بالا رفت، كاري كنيم كه تورم بالا نرود؟!

هر كس مي‌تواند بفرمايد انجام دهد.

تورم نتیجه محتوم این سیاست است، و نمی‌شود از واقعیت فرار کرد.

در طول این دوره هر قدر من و بانک مرکزی تلاش کردیم این دوست صمیمی و دوست داشتنی‌مان جناب آقای دکتر جهرمی را که اخیراً از حوزه سیاسی وارد فعالیت‌های اقتصادی شده، متقاعد کنیم که چاپ اسکناس برای ایجاد اشتغال مفید نیست، اما موفق نشدیم. حتی اگر هم بانک‌ها منابع مختصری را برای طرح‌های مورد نظر اختصاص می‌دهند، باید دید طرح‌های زودبازده جدید مهمتر هستند یا تامین سرمایه در گردش طرح‌های تمام شده قبلی؟!

آقای دکتر جهرمی بارها در دولت می‌گفت: نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی در کشور ما پایین است!

عده‌ای هم می‌گفتند نباید از افزایش رشد نقدینگی نگران بود، چرا که ما تلاش می‌کنیم آن را به سمت تولید ببریم! تا وقتی چنین دیدگاه‌هایی در کشور غلبه داشته باشد، نبایستی سوال کرد چرا در کشور تورم بالاست؟ مگر در همین دولت، تجربه کاهش تورم به ۱۲,۱ درصد به ثبت نرسیده است؟! دلایل توفیق دولت در آن سال چي بود؟!

به نظرم می‌رسد اگر می‌خواهیم در اقتصاد موفق باشیم باید با قاعده این علم آشنا باشیم و به اصول آن پای بند.

بعضی‌ها فکر می‌کنند نابسامانی‌های اقتصادی ما به ویژه در تورم و بخش مسکن ناشی از فعالیت‌های بدخواهانه علیه دولت است.

من اذعان می‌کنم، تجربه‌ای در ارتباط با مبارزه با مافیای ندارم! باید کارشناسان خبره اطلاعاتی و امنیتی را وارد این کار کرد. ولی به نظرم می‌رسد حتی برای خنثی کردن فعالیت مافیایی البته اگر وجود خارجی داشته باشد! حتما کنترل رشد نقدینگی نیز مفید است.

و اما چند نکته نیز در مورد سود بانکی عرض کنم:

در سال گذشته در همین دوران بود که شورای عالی پول و اعتبار تشکیل جلسه داد. اکثریت اعضای شورا از جمله من و دکتر شیبانی با کاهش نرخ سود بانکی مخالفت بودیم. فضای غالب جلسه این بود که چون تورم سال ۱۳۸۵ بالا رفته، باید سود بانکی نیز متناسب با آن افزایش یابد. اما چون محدودیت‌های سیاسی دولت قابل درک بود، لذا شورا به رییس جمهور پیشنهاد کرد در سال ۱۳۸۶ هیچ کاهشی متوجه نرخ سود بانکی نشود. علیرغم این همکاری شورا، جناب آقای رییس جمهور این پیشنهاد را قبول نکردند و تلویحاً گفته شد اگر برای بار دوم هم نظر دولت رعایت نشود باز هم نظر شورا تایید نمی‌شود و لذا وقتی مجدداً این موضوع در شورا بحث شد اکثریت اعضای جلسه با درک خوب از شرایط زمان به آن رای مثبت دادند و لذا تنش خوابید!

اما استدلال‌هایی که برای جلوگیری از کاهش نرخ سود بانکی در آن مقطع وجود داشت بعدها نشان داد که این پیشنهاد کاملاً کارشناسی بوده است زیرا در سال ۱۳۸۶ عملاً ما دیدیم که رشد منابع بانکی به ویژه در بانک‌های دولتی در مقایسه با سال قبلی آن کاهش یافت در حالی که رشد نقدینگی کماکان بالا بود. این یعنی که بخشی از این منابع نقدینگی متوجه بازارهای دیگر، مثل مسکن شده است.

وقتی افزایش تقاضا برای فعالیت سوداگرانه و سفته بازی در بخش مسکن به وجود می‌آید لزوماً لازم نیست این کار از طریق تسهیلات بانکی باشد. کافی است آنها از منابع کسانی که پس اندازهای خود را در اختیار بانک‌ها قرار نمی‌دهند استفاده کنند!

داستان تعیین دقیق نرخ سود بانکی در اقتصاد يك فرآیند علمی دارد و سلیقه‌ای نیست.

بعضی‌ها متأسفانه آن را با مسائل شرعی مرتبط کردند. آنها می‌گفتند وقتی سود بالا می‌رود، یعنی شبهه ربوی دارد. غافل از این که، اگر بازده پول کمتر از نرخ تورم باشد، تقاضا برای کالای بادوام در جامعه بالا می‌رود و چون این کالاها به اندازه کافی وجود ندارد پس به ناچار تورم بیشتر می‌شود. برای اینکه هر کس فکر می‌کند کالایی را که فردا هم احتیاج دارد همین امروز خریداری کند.

در سال گذشته که این بحث سود بانکی داغ بود یکی از مراجع عظام قم پیامی را از طریق نماینده خود برای من ارسال کردند.

سوال ایشان این بود که با توجه به شناخت مثبتی که از من وجود دارد، چرا من با کاهش نرخ سود در جلسه شورا مخالفت کرده‌ام؟!

در پاسخ عرض کردم که اصولاً من با کاهش سود بانکی مخالف نیستم و یکی از آرزوهای من این است که در این دوره بتوانم به این توفیق دست یابم. همچنین عرض کردم اما برای انجام این کار، یک مقدمه واجب وجود دارد! اگر این مقدمه تامین نشود معلوم نیست به هدف برسیم.

برای ایشان توضیح دادم اگر ما امروز تصمیم بگیریم که به طور مثال در سال ۱۳۸۶ از همین فردا شروع بانک‌ها را به ساعت ۱۰ صبح موکول کنیم، مقدمه‌ای چندانی لازم نیست ولی اگر می‌خواهیم تولید ناخالص داخلی کشور را امسال بالا ببریم و یا نرخ بیکاری را کاهش دهیم، مثلاً به اندازه سه درصد، در این صورت باید حتماً مقدمات آن طی شود وگرنه به هدف نمی‌رسیم. نمی‌توان تصور کرد که بدون سرمایه‌گذاری جدید و یا افزایش بهره‌وری، تولید بالا برود و یا بیکاری پایین بیاید!

در ادامه عرضه کردم که مقدمه واجب کاهش نرخ سود بانکی این است که تورم هم پایین بیاید. ایشان پیام را منتقل کردند ولی من احساس می‌کردم استدلال من افاده نکرده است. چند روز پیش باز همان نماینده آمدند و از قول معظمله به من پیام دادند که برداشت من صحیح بوده و ایشان هم به این نتیجه رسیده‌اند که حرمت تورم بالا مهمتر از حرمت بالا بودن سود بانکی است!

روشن است اگر ما می‌توانستیم رشد نقدینگی را به ۱۵ درصد محدود کنیم و برنامه‌های اقتصادی خود را با این فرض انجام می‌دادیم، ما نمی‌بایستی نگران تورم بالا باشیم ولی الان که رشد نقدینگی ۴۰-۳۵ درصد است حتماً باید در مورد کاهش نرخ سود بانکی نگران بود.

نتیجه کاهش سود بانکی فقط رانتهای نیست بلکه اختلال در بازار کالا و ایجاد تورم بیشتر از مساله رانت هم مهمتر است.

در مورد عملکرد وزارتخانه هم چند نکته مختصر را ذکر می‌کنم:

۱ - سیستم خزانه در این دوره «بر خط یا On-line» شد. با ایجاد این سیستم مکانیزه عملاً انضباط بیشتر در هزینه کرد بودجه به وجود آمد. در ضمن برای اولین بار در تاریخ این وزارت، پرداخت حقوق و مزایای مستمر کارکنان رسمی و پیمانی دولت به صورت متمرکز به حساب اشخاص واریز شد.

۲ - در نظام مالیاتی، طرح عظیم مالیات بر ارزش افزوده با همه فراز و نشیبی که داشت به سرانجام رسید. نسبت درآمد مالیاتی به دریافت‌های دولت که در سال ۱۳۸۴ تنها ۱۸,۲ درصد بود در سال ۱۳۸۶ علی‌رغم افزایش دریافت‌ها به میزان ۳۰,۵ درصد رسید.

۳ - میزان واگذاری‌های دولت در این دوره مجموعاً به بیش از ۲۲۰ هزار میلیارد ریال رسید که ۷,۳ برابر واگذاری‌های دوره ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۵ است. همچنین در این دوره مهم‌ترین و فنی‌ترین لایحه اقتصادی دولت در دهه‌های اخیر در مورد اجرایی کردن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به مجلس داده شد.

۴ - میزان جذب اعتبارات بانکی از بانک جهانی در سال ۱۳۸۶ به هفت برابر قبل رسید. همچنین تسهیلات جذب شده بانک توسعه اسلامی نیز به ۱,۲۷ برابر افزایش یافت.

میزان امضای موافقت‌نامه امضا شده با سرمایه‌گذاران خارجی در سال ۱۳۸۶ به رکورد بی‌سابقه ۱۱,۹ میلیارد دلار رسید. طرح تمرکز تامین مالی خارجی با موفقیت در این وزارت پیاده شد.

۵ - در قسمت بانک و بیمه برای ایجاد اصلاحات مورد نظر، بیش از ۳۵ برنامه و ۷۰ راهکار اجرایی تهیه شده که عموماً تصویب شده یا در مرحله مصوب قرار دارد.

تشکیل کارگروه‌های خصوصی‌سازی بانک‌ها، اصلاح نظام بانکی، هماهنگی برای تشکیل و تاسیس نهادهای جدید پولی و بانکی مثل مؤسسه ساماندهی مطالبات معوق، بانک جامع اطلاعات مشتریان، مؤسسه مشاوره سرمایه‌گذاری، مؤسسه تضمین اعتبار، موسسات رتبه‌بندی و اعتبارسنجی مشتریان به منظور تخصیصی کردن عملیات بانکی، تقویت

توان نظارتی بانکها، تقویت بانکداری الکترونیکی، تشکیل بانک قرض‌الحسنه جدید از جمله اقداماتی است که در این حوزه صورت گرفته است.

در قسمت بیمه نیز علاوه بر فراهم آوردن زمینه واگذاری بیمه‌های آسیا، البرز، دانا، همچنین تشکیل کارگروه‌هایی در حوزه‌های مالی، حقوقی، اصلاح ساختار و نیروی انسانی و شناسایی چالش‌ها را می‌توان یاد کرد که منجر به تهیه لایحه اصلاحی قانون بیمه، لایحه اصلاحی بیمه شخص ثالث و اصلاح آیین‌نامه‌های اجرایی قانون بیمه شخص ثالث شده است.

۶ - نقش گمرک در اعمال سیاست‌های تعرفه‌ای، شفاف‌سازی اقتصادی و جلوگیری از اقتصاد زیرزمینی بر همگان روشن است. درآمد گمرکی بعد از نفت و مالیات سومین منبع مهم درآمد عمومی دولت است. در عین حال ضمن تقویت نظارت بر اجرای کنوانسیون‌های گمرکی، چهار گمرک عمده ترانزیتی به دستگاه‌های X-ray مجهز شد. شیوه ارزش‌گذاری کالاهای وارداتی نیز واقعی‌تر شد.

۷ - امضای تفاهم‌نامه با بورس‌های مالزی، راه‌اندازی بورس نفت، تشکیل کمیته فقهی در سازمان بورس، افزایش تعداد شرکت‌های بورسی و حجم معاملات آن، بازگشت اعتماد به بورس و انجام معاملات بلوکی بزرگ در حد ارزش ۱۰۰۰ میلیارد تومان در بورس از جمله اقدامات در این حوزه است.

۸ - در امور داخلی کارکنان، نظام‌مند کردن و برقرار عدالت در پرداخت پاداش‌ها

- برقراری پرداخت فوق‌العاده‌های ویژه ۳۵ درصد و ۵۵ درصد برای کلیه کارکنان مشمول

- امکان برخورداری از خدمات رفاهی برای کلیه کارکنان

- احداث درمانگاه و دندانپزشکی ویژه در وزارتخانه را می‌توان نام برد.

کلام نهایی:

کار اصلی من در وزارت امور اقتصادی و دارایی ایجاد آرامش در اقتصاد کشور بود. به دور از هیجان کار کردم و سعی کردم هر فردی یا دستگاهی که با مانعی در انجام کار اقتصادی خود برخورد می‌کرد را برطرف کنم. سعی کردم از همه کسانی که کار بلد هستند که عمدتاً از مجموعه کارکنان این وزارت بود استفاده کنم. فضای داخلی را برای کار خلاق آرام نگه داشتم و علی‌رغم این‌که خودم تحت فشار بودم سعی کردم حتی‌المقدور آن را به سازمان منتقل نکنم. از اتوبوس هم استفاده نکردم، تنها آمدم و تنها می‌روم.

ای دوست قبولم کن و جانم بستان ... مستم کن و از هر دو جهانم بستان

با هرچه دلم قرار گیرد بی تو ... آتش به من اندر زن و آنم بستان

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته»